

تحلیل تاثیر مفهوم بینابینیت در ارتقاء حس تعلق به مکان در مسجد-مدرسه‌های

دوره قاجاریه (نمونه موردی: مسجد-مدرسه صالحیه شهر قزوین)

ثمین ترکمن^۱

جمال‌الدین سهیلی^{۲*}

soheili@qiau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۲۷

چکیده

زمینه و هدف: در معماری دوره اسلامی ایران، بناهای عمومی همانند مسجد-مدرسه‌ها مکان‌هایی برای تعاملات افراد با سلیقه‌ها و تفکرات مختلف بودند، این بناها با عملکردها و فضاهای متنوع خود و با داشتن فضاهایی بینابین که نقش تعیین کننده‌ای در سازمان‌دهی عملکردهای متنوع این مکان‌ها و پیوند بیشتر فرد با آن را داشتند، تشکیل یک کل واحد را می‌دادند، و تمایل فرد به ماندن در آن مکان را میسر می‌ساختند. هدف این مطالعه، تحلیل تاثیر مفهوم بینابینیت در ارتقاء حس تعلق به مکان در مسجد-مدرسه‌های دوره قاجاریه است و به بیان این مطلب می‌پردازد که چگونه فضای بینابین می‌تواند در ارتقاء حس تعلق به مکان موثر باشد.

روش بررسی: این پژوهش در تابستان سال ۱۳۹۸ با استفاده از روش تحقیق همبستگی به تحلیل متغیرها، و با مطالعات کتابخانه‌ای، میدانی و پیمایشی به بررسی مولفه‌های تاثیرگذار در ارتقاء حس تعلق به مکان و فضای بینابین و سپس به بررسی ارتباط معنادار بین این دو متغیر در نرم افزار Spss 20 پرداخته است.

یافته‌ها: یافته‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که ضریب معناداری بین متغیرهای حس تعلق به مکان و فضای بینابین کمتر از ۰/۰۵ بوده و نشان از وجود از رابطه معنادار بین این دو متغیر است.

بحث و نتیجه‌گیری: در نتیجه استفاده از مفهوم بینابینیت می‌تواند عاملی موثر برای ایجاد حس تعلق به مکان در فضای معماری باشد. زیرا امروزه مفهوم بینابینیت، در طراحی فضاهای معماری بسیار حائز اهمیت است، تا با استفاده از آن بتوان در مکان‌های عمومی جدید پیوند بین انسان و مکان را قوی ساخت؛ تا در نهایت منجر به بهره‌برداری بهتر از محیط و تداوم حضور افراد در آن گردید.

واژه‌های کلیدی: حس تعلق به مکان، بینابینیت، دوره قاجاریه، مسجد-مدرسه صالحیه.

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
۲- دانشیار و عضو هیات علمی، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. * (مسوول مکاتبات)

Analysis of the Impact of In-Between Meaning on Promoting the Sense of Place in the Qajar Mosque-Schools

(Case Study: Salehiye Mosque- School in Qazvin City) *

Samin Torkaman¹

Jamalledin Soheili^{2*}

soheili@qiau.ac.ir

Admission Date: June 8, 2020

Date Received: December 18, 2019

Abstract

Background and Objective: In the architecture of Islamic period of Iran, public buildings such as mosques-schools were places for people to interact with different tastes and thoughts, with their diverse functions and spaces and with in-between spaces that played a decisive role in organizing the diverse functions of these places and linking them more closely. They formed a whole, and made it possible for one to stay in that place. The purpose of this study is to investigate the effect of the in-between spaces on promoting a sense of place in the Qajar mosque-schools and to explore how in-between spaces can be effective in promoting a sense of place?

Method: Correlation analysis in Spss software was used to analyze the variables, and with library, field and survey studies to investigate the effective factors in promoting sense of place and in-between spaces.

Findings: Results of this study indicate that the coefficient of significance between the variables of sense of place and in-between spaces is less than 0.05 and there is a significant relationship between these two variables.

Discussion and Conclusion: The use of in-between spaces can be effective in creating sense of place in architectural space. Because today the concept of in-between spaces is very important in the design of architectural spaces, so that it can be used to reinforce the link between human and place in new public spaces, ultimately leading to better exploitation of the environment and the continued presence of people.

Keywords: Sense of Place, In-Between Space, Qajar Period, Salehiye Mosque- School.

1- M.A., Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

2- Associate Professor and Faculty Member, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran * (Corresponding Author)

مقدمه

طی دهه‌های اخیر مشکلات و چالش‌های تازه‌ای به دلیل رشد سریع شهرنشینی، شکل‌گیری چهره جدید از شهرها، ایجاد و گسترش مکان‌های عمومی نامطلوب به وجود آمده که موجب از بین رفتن رابطه بین انسان و محیط، کمرنگ شدن هویت و حس تعلق به مکان و در پی آن باعث کاهش کیفیت زندگی اجتماعی گردیده است. ولیکن در گذشته، مکان‌های عمومی در شهرهای ایران از جمله مراکز مذهبی مثل مسجدها، مدرسه‌ها، بازارها و ... به واسطه وجود نشانه‌ها، معانی، عملکردها و ... نقشی از خود در ذهن افراد ایجاد می‌کردند، که امکان پیوند فرد با مکان را میسر می‌ساختند، به نحوی که فرد خود را جزئی از مکان می‌دانست و مکان برای او قابل احترام می‌گردید. در این مراکز شاهد حضور فضاهایی رابط در میان عناصر مختلف تحت عنوان فضاهای بینابین هستیم که دارای شکل، کارکرد و معانی متعدد هستند. فضای بینابین از عوامل اصلی، پیوستگی، توالی، سلسله مراتب و عرصه‌بندی فضایی عناصر معماری و شهری در ایران بوده و از این طریق نقش موثری در سازماندهی فضایی آن داشته‌است. همچنین یکی از اصلی‌ترین وظایف فضای بینابین کنترل قلمرو و مالکیت می‌باشد. دریافت، تفسیر، تغییر و تجزیه و ترکیب اطلاعات و مفاهیم نیز از جمله کارایی‌های فضای بینابین به لحاظ معنایی می‌باشد. بنابراین فضای بینابین محل مواجهه کارکردهای درونی و بیرونی می‌گردد و به مثابه برآیند نیروهای تاثیرگذار درونی و بیرونی، هم به تحدید شکلی که واجد معناست می‌پردازد و هم امکان تعامل و ارتباط آن شکل را با پیرامون فراهم می‌آورد (۱). می‌توان بیان کرد که فضای بینابین به واسطه ویژگی‌های کالبدی، کارکردی و معنایی خود می‌تواند تعاملات اجتماعی و ارتقاء کیفیت و تعامل در فضا را برای ایجاد حس تعلق به مکان در افراد تامین نماید. اما امروزه عدم توجه به ویژگی‌های متنوع فضا برای خلق فضایی با کیفیت و دارای هویت منجر به عدم رضایت کاربران در بهره‌برداری از محیط و در نتیجه عدم حس تعلق به آن مکان‌ها گردیده است. بنابراین باید عنوان کرد که هدف از پژوهش پیش‌رو، در درجه اول یافتن ارتباط معنادار میان حس تعلق به مکان و فضاهای

بینابین در مسجد-مدرسه‌های دوره قاجاریه است تا با تشریح ویژگی‌ها و بنیان‌های نظری موجود، بتوان شاخص‌های موثر در جهت ارتقاء حس تعلق به مکان را به واسطه مفهوم بینابینیت ارائه داد. در همین راستا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که آیا بین حس تعلق به مکان و فضاهای بینابین در مسجد-مدرسه‌های دوره قاجاریه ارتباط معنا داری وجود دارد؟ و چگونه فضای بینابین می‌تواند در ارتقاء حس تعلق به مکان موثر باشد؟ بدین منظور به روش اسنادی، میدانی و پیمایشی به جمع‌آوری اطلاعات و با روش تحقیق پیمایشی و همبستگی و با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته پرداخته شد.

زمینه و هدف (ضرورت انجام تحقیق)

از مواردی که امروزه بسیار مورد توجه طراحان و پژوهشگران معماری قرار گرفته‌است حس تعلق به مکان نام دارد، که در ارتباط بین انسان‌ها و محیط‌ها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌نماید. در واقع پیوند فرد با یک مکان بر پایه حس مکان به وجود می‌آید که در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند. از آنجایی که مکان‌های عمومی شهر از مهم‌ترین اجزای عمومی هر شهر محسوب می‌گردد، در توسعه شهرهای ایرانی نیز از دیرباز، همواره در این شهرها، مکان‌هایی همانند مسجد-مدرسه‌ها وجود داشت که با ایجاد امکان تعاملات اجتماعی و پذیرفتن نقش فرهنگی- اجتماعی در تقویت این نقش بسیار موثر بودند. در واقع این نوع فضاها علاوه بر پیوند دادن فرد با درون خویش، از طریق فضاهای باز و صحن، تا فضاهای داخلی آن‌ها نقش خود را به عنوان محلی مناسب برای برقراری تعاملات اجتماعی و حضور شهروندان در اجتماع ایفا می‌کند. زیرا این نوع مکان‌ها از طریق ایجاد حس تعلق انسان به محیط به واسطه فضای کالبدی و از طریق کنش‌های متقابل انسان‌ها سبب برقراری تعاملات بین شهروندان می‌شوند. علاوه بر این در این بناها شاهد حضور فضاهای رابطی با شکل، کارکرد و معانی متعدد میان عناصر مختلف تحت عنوان فضاهای بینابین می‌باشیم که عنصری موثر در سازماندهی فضایی این مکان‌ها

می‌باشند. از این رو این نوشتار بر آن است تا با شناخت اندام‌های بینابینی به بررسی تاثیر این فضاها در ارتقاء حس تعلق به مکان در فضای معماری بپردازد، تا بتوان با استفاده از نتایجی که حاصل می‌شود موجب ایجاد انگیزه در افراد برای توقف، مشاهده و مشارکت در فعالیت‌های درون فضای معماری شود.

مبانی نظری

۱- مفهوم حس تعلق به مکان

یکی از معانی مهم در ارتقاء کیفیت محیط‌های انسانی، حس تعلق به مکان می‌باشد. حس تعلق به مکان در روانشناسی محیطی از موضوعات جالب و مورد توجه بوده‌است که علاوه بر دامنه وسیع اطلاعاتی را نشان می‌دهد، نوعی سردرگمی واژه‌ها و پیچیدگی ذهنی را به همراه دارد (۲). در واقع محیط، خواه خانه و یا فضای عمومی، علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم براساس نقش‌ها، انگیزه‌ها و دیگر عوامل، آن را رمزگشایی و درک می‌کنند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید، حس مکان نامیده می‌شود که به عنوان عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط، باعث بهره برداری بهتر از محیط و تداوم حضور در آن می‌شود (۳). تعلق به مکان که برپایه حس مکان به‌وجود می‌آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و براساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها شخصیت و نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد. در واقع احساس تعلق به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا، به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین کننده‌ای دارد (۴). بنابراین حس تعلق مکانی مفهومی پیچیده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می‌آید. به عبارت دیگر حس تعلق به مکان با مفهوم حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم و احساسات کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود می‌باشد که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد، به گونه‌ای که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط

پیوند خورده و یکپارچه می‌گردد. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود و در واقع حس تعلق به مکان به معنای دریافت ویژگی‌های معنایی محیط و شخصیت مکان توسط استفاده کنندگان از محیط و وابسته دانستن خود به این ویژگی‌ها می‌باشد (۵). این معنا که عمدتاً برپایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به صورت نمود کالبدی خود را نمایان می‌سازد. معمار وظیفه دارد مکان را به صورت تمام و کمال در ذات خود آشکار کند. در واقع در بنا است که مکان به مخاطب خود اهدا می‌شود. معماری با ساختن خلاقانه مکان وظیفه دارد که خصوصیات محیط را گردآوری و در مکان نشان دهد (۶).

۲- ابعاد مختلف حس تعلق به مکان

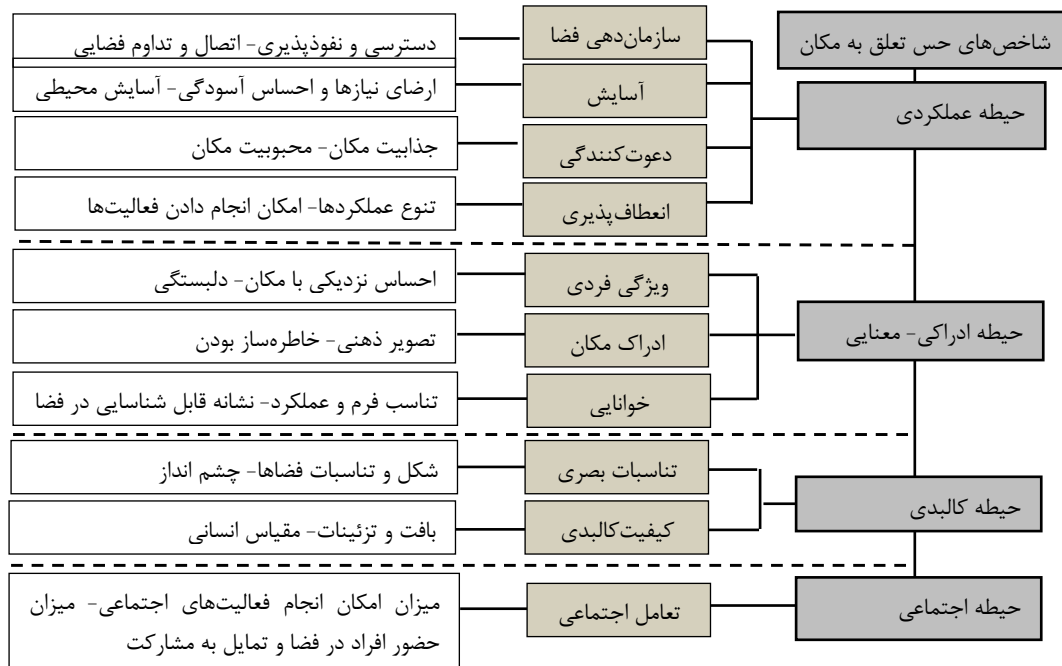
الف. عوامل ادراکی-شناختی فردی: شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان می‌باشد، بدین منظور محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده کنندگان جزء محیط‌های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد (۷). ب. عوامل اجتماعی: عمدتاً بر پایه تعاملات و کنش‌های اجتماعی در محیط صورت می‌گیرد بر اساس نظریه محیط اجتماعی شکل گرفته و محیط از این منظر گونه‌ای از تعلق، ترکیبی از عناصر اجتماعی را دارا است که فرد در آن به جستجوی تعلق خاطر خود می‌پردازد (۷). پ. عوامل محیطی-کالبدی: تعلق کالبدی به مکان از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی است. محیط به دو عامل فعالیت و کالبد دسته بندی می‌شود. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی و ارتباط درون و بیرون در فضاها، به ایجاد حس تعلق می‌پردازند. و از طریق همسازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق موثر هستند (۲). رد پای حس تعلق و عوامل مترتب بر آن را می‌توان در میان متون نظری به جامانده از اندیشمندان حوزه‌های مختلف جستجو نمود. در جدول ۱ معیارهای مربوط به سنجش حس تعلق به مکان از دیدگاه صاحب‌نظران در سه حوزه مختلف روانشناسان محیط که از نگاه آنان محیط انسانی دارای معانی مختلف و

متعددی می‌باشد، و پدیدارشناسان، که مکان را چیزی بیش از یک محل انتراعی می‌دانند و در حوزه طراحان که وظیفه‌شان درک عناصر با توجه به شخصیت هر مکان است، بررسی گردیده است.

جدول ۱- معیارهای مربوط به سنجش حس تعلق به مکان از دیدگاه صاحب نظران (نگارندگان، ۱۳۹۸)
Table 1. Criteria for measuring the sense of place from the point of the experts (Authors, 2019)

| دیدگاه | صاحب نظران | تعاریف | معیارها | حوزه حس تعلق |
|-----------------|--------------|---|---|-----------------------------|
| روانشناسان محیط | دیوید کانتر | مکان چون واحدی برای محیط است که مردم در آن زندگی خود را تجربه می‌کنند (۸). | مدل مکان متشکل از سه عامل: کالبد، فعالیت‌ها، تصورات. | -کالبدی و ادراکی- معنایی |
| | کرت لوین | هر چه شناخت ذهنی فرد نسبت به محیط پیرامونی بیشتر شود، آن را جزئی از فضای زندگی خود می‌داند (۹). | شناخت ذهنی و رفتار انسان با توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی پیرامون. | ادراکی-معنایی |
| | جان لنگ | طبقه‌بندی کیفیت‌های طراحی شهری بر حسب برآورده ساختن نیازهای انسان (۹). | توجه به نیازهای اساسی انسان بر اساس هرم مازلو. | -اجتماعی و عملکردی-رفتاری |
| پدیدارشناسان | نوربرگ شولتز | یافتن حس مکان در مکان‌هایی با شخصیت مشخص و متمایز (۱۰). | توجه به تصور محیطی، ادراک و جهت، مصالح، شکل، بافت | -کالبدی |
| | رلف | شکل‌گیری ادراک و قضاوت از طریق رمزگشایی معانی در ذهن فرد (۱۱). | ساختار کالبدی، فعالیت، معنا. | -کالبدی و ادراکی- معنایی |
| طراحان | جین جیکوبز | زنده بودن شهر در گرو مراکز شهری پیچیده و پر ازدحام است، مخالف محدود کردن فعالیت مردم در چارچوب خاص (۹). | تنوع فعالیت‌ها، نفوذپذیری، توجه به خیابان، تاکید به تعامل اجتماعی و انعطاف‌پذیری. | -اجتماعی |
| | کوین لینچ | مکان هویتی قابل ادراک است. که یا حس مکان می‌تواند احساس تعلق داشته‌باشد (۱۲). | سرزندگی، معنادار بودن مکان‌های شهری، دسترسی، کنترل و نظارت. | عملکردی-رفتاری |
| | راجر ترانسیک | تلفیق سه تئوری ارتباط، شکل-زمینه و مکان را ضروری می‌داند (۹). | حفظ تسلسل حرکت‌ها، محصوریت فضا، پیوستگی لبه، کنترل محورها | -کالبدی |
| | یان بنتلی | محیط مناسب، محیطی پاسخده به درخواست‌های مردم است (۱۳). | نفوذپذیری، گوناگونی، خوانایی، انعطاف‌پذیری | عملکردی-رفتاری |

با توجه به دیدگاه‌های عنوان شده می‌توان به صورت کلی مکان را در چهار حیطه عملکردی (رفتاری)، ادراکی، اجتماعی مولفه‌ها و عوامل موثر بر شکل‌گیری و تقویت حس تعلق به و کالبدی به صورت زیر دسته‌بندی کرد:



نمودار ۱- مدل مفهومی عوامل شکل دهنده حس تعلق مکان به (نگارندگان، ۱۳۹۸)

Diagram 1. Conceptual model of the factors that shape the sense of belonging to (Authors, 2019)

شود. در واقع در این فضاها فرد نیاز به خروج از محیطی موجود و معین ندارد. بلکه یک سلسله گذرگاه ماهرانه تدارک دیده می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد. یعنی فضاهای شهری بی‌آنکه پیوستگی خود را در سطح از دست بدهند، توسط گذرها از هم تفکیک می‌شوند و گسترش شهر حول نقاط و گروه‌های اساسی (نظیر مساجد، میدان‌ها و ...) به طور همگنی شکل می‌گیرد (۱۴). در واقع در بافت‌های کهن شهرهای تاریخی ایران، پیوستگی مجموعه مرکز شهر و محلات از طریق گذرهای اصلی و بازار می‌باشد که وظیفه پیوند میان عناصر مهم شهر را بر عهده داشته‌اند و در این راستا از اصطلاح سلسله مراتب هم‌پندی فضایی استفاده می‌شود (۱). در مجموع فضاهای معماری و شهرسازی ایرانی، فضاهای متنوعی هستند که در یک سازماندهی فشرده و یکپارچه، بدون ایجاد مرزهای قطعی به یکدیگر تبدیل می‌شوند. وحدت فرم‌های ایرانی از تقابل بصری، فضا، شکل و سطح ویژگی‌های هر یک از آنها شکل می‌گیرد.

۵- ویژگی‌های فضای بینابین

ویژگی‌های شکلی - کالبدی: بینابین در معماری، بر مرز ارتباط دو قطب درون و بیرون، در کشاکش دو نیاز متعارف ایستاده است.

۳- بینابینیت و مفهوم آن، کیفیتی در عصر حاضر

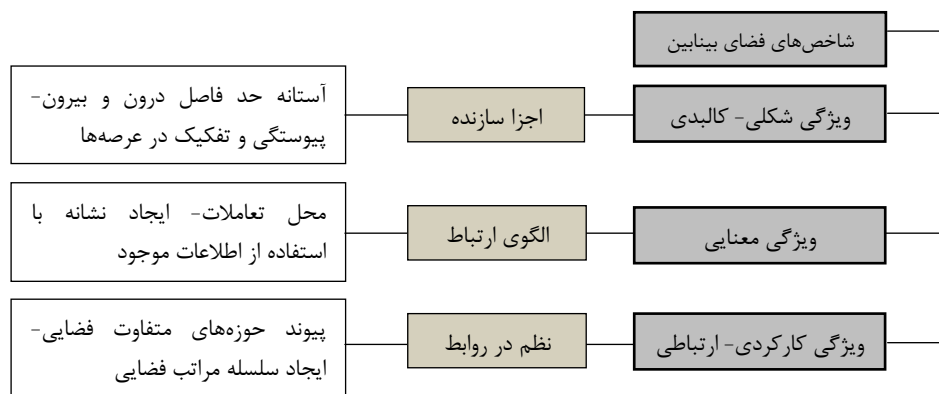
در لغت‌نامه دهخدا واژه بین از جمله لغات اعداد به معنی جدایی و پیوستگی، فرق و فصل میان دو چیز و جدایی آمده است. این واژه به معنی میان و وسط، گاهی به عنوان اسم و زمانی ظرف زمان و یا ظرف مکان می‌آید. واژه In-between معادل انگلیسی لغت بینابینی در فارسی است. در لغت‌نامه تخصصی معماری در تعریف واژه بینابین چنین آمده است: بینابین فضایی که دائما در حال حرکت است، مکانی در خودش، محدودیتی ساخته شده در حاشیه، فتح بین قلمرو دو جنگجو، مبهم، سرگشته، دو رگه و نامعلوم. بنابراین بینابین، بینابین جدا نمی‌کند بلکه همواره ملحق می‌نماید، و همچنین بینابین لزوما یک فضای خالی و یا یک فضای باقیمانده نیست. معماری بینابین هر چیزی را که بتواند برای ساختنش استفاده کند را به طرف خودش جذب می‌کند (۱).

۴- فضای بینابین در فضاهای معماری و شهری ایران

طبق بررسی‌های انجام شده، یکی از جنبه‌های بنیادین معماری و شهرسازی گذشته ایران، پیوستگی فضایی می‌باشد (۱). در این نوع شهرسازی، گذر از فضایی به فضای دیگر پی در پی و همواره تکرار شده است، بی‌آن که هرگز این پیوستگی قطع

مشابه دیوار امکان تفکیک و تحدید شکل را فراهم می‌آورد و هم نظیر بازشو، امکان اتصال را تامین می‌نماید (۱۵). ویژگی معنایی: کارایی عناصر بینابینی باید منتهی به معرفی بهتر و منسجم‌تر فضاهای اطراف شود. کارکرد این عناصر در تکمیل کارایی مجموعه همجواری‌ها، خود حامل بار معنایی جدیدی است. این فضاها در عین کارایی متقابل فضاها و عناصر اطراف، موجب به هم‌تافتگی شدید آن‌ها نیز می‌گردد (۱۵). ویژگی کارکردی-ارتباطی: این فضا با ویژگی ارتباطی‌اش، تفاوت‌های موجود در عرصه‌های مختلف را به دلیل تفاوت مفاهیم سازنده آن‌ها، به نسبت‌های مختلف مراتب فضایی تبدیل می‌نماید و این امر به واسطه تعیین الگوی ارتباط و نظم حاکم بر روابطی است که در نهایت منجر به سازماندهی فضایی می‌گردد (۱). فضای بینابین، بنا به ویژگی‌های چند بعدی خود می‌تواند، هم، بستر روابط کارکردی باشد و هم، محل امکانات و بیانگری‌های معنایی (۱۵).

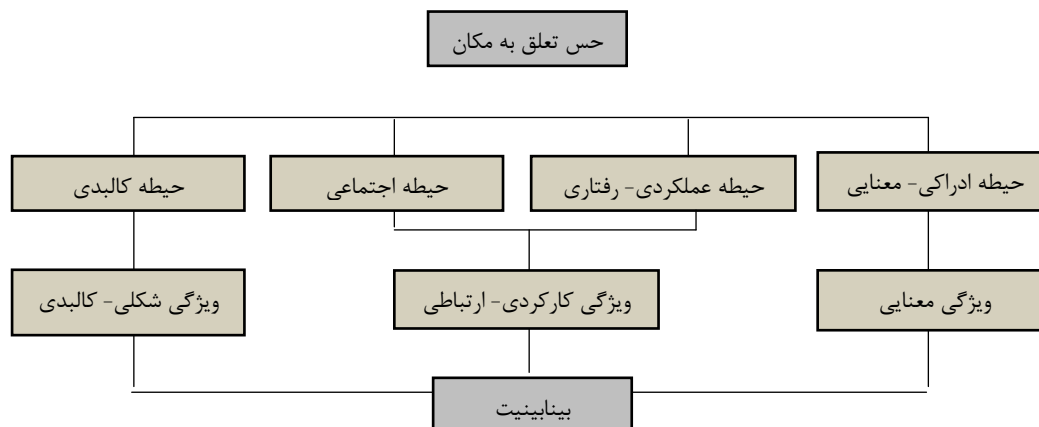
در اوج یکی، حضور دیگری است که با وجودش بر حضور معنای دیگری دلالت می‌کند. طراحی از خارج به داخل و همچنین از داخل به خارج، تنش‌هایی دارد که به ایجاد معماری کمک می‌کند (۱۵). فضای بینابین به عنوان آستانه در حد فاصل فضای معماری با محیط پیرامون مطرح می‌گردد. آستانه از آن جهت اهمیت می‌یابد که هم مشابه دیوار امکان تفکیک و تحدید شکل را فراهم می‌آورد و هم نظیر باز شو امکان اتصال را تامین می‌نماید (۱۶). از آن جایی که درون متفاوت از بیرون است، دیوار محل تغییر و تفاوت رویدادی معماری می‌شود. معماری در محل برخورد نیروهای کارکردی و فضای داخل و خارج روی می‌دهد. این نیروهای داخلی و محیطی هم خاص هستند و هم عام. معماری به عنوان دیوار بین درون و بیرون، به ثبت فضایی آن می‌پردازد. البته همان طور که گفته شد، اطلاق واژه آستانه در حد فاصل فضای معماری با محیط پیرامون مناسب‌تر می‌باشد. آستانه از آن جهت اهمیت می‌یابد که هم



نمودار ۲- مدل مفهومی شاخص‌های فضای بینابین (نگارندگان، ۱۳۹۸)

Diagram 2. Conceptual model of in-between space indices (Authors, 2019)

به منظور جمع‌بندی با توجه به شاخص‌های حس تعلق و فضای بینابین مدل مفهومی پژوهش به صورت زیر، ارائه می‌شود:



نمودار ۳- مدل مفهومی تحقیق (نگارندگان، ۱۳۹۸)

Diagram 3. Conceptual model of research (Authors, 2019)

روش بررسی

در انجام این پژوهش در تابستان سال ۱۳۹۸، از روش تحقیق پیمایشی و همبستگی استفاده و جهت جمع‌آوری اطلاعات از مطالعات اسنادی و در بررسی نمونه آماری از اطلاعات میدانی و پیمایشی استفاده گردیده است. در بخش پیمایشی؛ در راستای فرضیه پرسش‌نامه‌ای تهیه شد و برای تکمیل آن از میان مسجد- مدرسه‌های قاجاریه در شهر قزوین مسجد- مدرسه صالحیه انتخاب گردید. می‌توان از مهم‌ترین مسائلی که در انتخاب این مکان نسبت به سایر مکان‌ها مد نظر این پژوهش قرار داشت را به این شرح بیان کرد که: این مسجد- مدرسه متغیرهای مستقل را به لحاظ آزمون پذیری فرضیه دارد. که چهار فضای هشتی، مهتابی، ایوان و صحن به عنوان فضای بینابین در این پرسش‌نامه مورد سوال قرار گرفت. همچنین این مسجد- مدرسه کاملاً فعال است و به دلیل حضور دائمی کاربران و استفاده کنندگان از فضا امکان پاسخگویی دقیق مخاطبان وجود دارد. پرسشنامه‌ها به طور متناسب بین استفاده‌کنندگان از فضا برای به دست آوردن میانگین نرمال در نتایج نهایی، توزیع شد. باتوجه به حجم جمعیت آماری که ۸۸ نفر بود با استفاده از مدل کوکران حجم نمونه برابر با ۶۶ نفر محاسبه شد. برای نمونه‌گیری در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده گردید. روایی پرسش‌نامه به طریق محتوایی و بر اساس نظر متخصصین مورد سنجش قرار گرفت و پس از مشخص کردن مولفه‌ها

در مدل مفهومی تحقیق؛ ارتباط ویژگی معنایی فضای بینابین با حیطه ادراکی- معنایی حس تعلق این است که عناصر بینابینی منجر به معرفی بهتر و منسجم‌تر فضاهای اطراف می‌شوند، یعنی با ایجاد تصاویر ذهنی و ادراکی درونی بر کیفیت ادراکی فضای معماری یعنی همان حیطه ادراکی- معنایی در حس تعلق به مکان، بر روی این حس تاثیر می‌گذارند. ارتباط ویژگی کارکردی- ارتباطی فضای بینابین با حیطه عملکردی- رفتاری و حیطه اجتماعی حس تعلق این است که عناصر بینابینی هم به واسطه تعیین الگوی ارتباط و نظم حاکم بر روابط در فرآیند شکل دادن به فضاهای اطراف کمک می‌کنند و هم امکان تعامل و ارتباط را فراهم می‌آورند یعنی با ایجاد سازماندهی فضایی بین عرصه‌های مختلف و فراهم آوردن امکان تعاملات با پیرامون یعنی همان حیطه عملکردی- رفتاری و حیطه اجتماعی در حس تعلق به مکان، بر روی این حس تاثیر می‌گذارند. همچنین ارتباط ویژگی شکلی- کالبدی فضای بینابین با حیطه کالبدی حس تعلق به مکان این است که عناصر بینابینی ضمن تفکیک دو فضا منجر به تعامل و تبادل متداوم آن‌ها می‌گردند یعنی همان استفاده از عناصر کالبدی که از طریق همسازی و قابلیت تامین نیازهای انسان یعنی همان حیطه کالبدی در حس تعلق به مکان، در ایجاد و افزایش این حس موثر هستند.

یافته‌ها

مسجد- مدرسه صالحیه شهر قزوین: این بنا واقع در محله قملاق قزوین، در جانب غربی خیابان مولوی واقع شده است (۱۷). مسجد- مدرسه صالحیه قزوین یکی از بزرگ‌ترین مدارس تاریخی ایران است. سردر ورودی این بنا در جانب خیابان مولوی قرار گرفته و دارای تزئین‌های کاشی‌کاری و کتیبه تاریخی منظومی، به تاریخ ۱۲۶۲ هـ ق است. این کتیبه به خط نستعلیق زیبا و به رنگ لیمویی بر زمینه کاشی لاجوردی تحریر شده است. این بنا درهای دیگری از کوچه‌های مجاور دارد. این موضوع ارتباط ساختاری مسجد- مدرسه با بافت محلات همجوار را تبیین می‌کند (۱۸). صحن وسیع و مستطیل شکل مدرسه حدود ۵۷×۴۶ متر وسعت دارد و از قسمت جنوب، صحن کوچکتری به ابعاد ۱۷×۱۸ متر، بدان متصل می‌شود. در وسط صحن اصلی گودال باغچه یا طبقه زیر همکف را در آن ساخته‌اند که در اطراف حجره‌های متعدد دارد. (۱۹).

پرسش‌نامه نهایی تثبیت شد. برای اندازه‌گیری پایایی از شاخصی به نام ضریب پایایی یا آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. در این پژوهش از یک نمونه اولیه شامل ۱۰ پرسشنامه، پیش آزمون شد و سپس در محیط نرم‌افزار Spss 20 میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای کل سوالات در این پژوهش ۰/۹۳ محاسبه گردید که میزان مورد نیاز پایایی را نشان می‌دهد. همچنین آلفای کرونباخ برای سوالات متغیر حس تعلق به مکان، ۰/۹ محاسبه گردید و آلفای کرونباخ برای سوالات متغیر بینابینیت، ۰/۸۴ محاسبه گردید. در نتیجه توصیف و آزمون روابط متغیرها از نظر علمی کاملاً معتبر است. در ادامه پرسش‌نامه‌ها در محیط نرم‌افزار Spss 20 تجزیه و تحلیل گردیدند و فرضیه تحقیق با استفاده از ضرایب مختلف آماری همچون ضریب همبستگی پیرسون آزمون گردید.



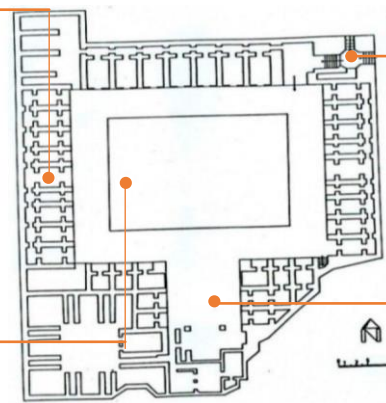
شکل ۴- ایوان در مسجد-مدرسه (۲۰)

Figure 4. Belvedere of mosque-school (20)



شکل ۵- گودال باغچه در مسجد-مدرسه صالحیه (نگارندگان، ۱۳۹۸)

Figure 5. Garden pit of mosque-school (Authors, 2019)



شکل ۳- پلان مسجد- مدرسه (۱۹)
Figure 3. Plan of the mosque-school (18)



شکل ۱- هشتی (نگارندگان، ۱۳۹۸)
Figure 1. Entrance of mosque-school (Authors, 2019)



شکل ۲- مهتابی موجود در مسجد- مدرسه (۲۱)

Figure 2. Belvedere of mosque-school (21)

تحلیل یافته‌ها

با توجه به بررسی مفهوم حس تعلق به مکان و مفهوم بینابینیت، همان‌گونه که پیش از این عنوان شد برای رسیدن به هدف پژوهش از شیوه پیمایش استفاده شد و پرسشنامه‌هایی در اختیار کاربران فضا قرار گرفت. همچنین برای تعیین آزمون آماری مناسب برای بررسی همبستگی متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده و به رتبه‌بندی عوامل هر یک از متغیرها، برای تعیین میزان تاثیرگذاری آن‌ها بر روی حس تعلق به مکان پرداخته شد، آمار و اطلاعات حاصل با استفاده از نرم افزار Spss به دست آمد، که به شرح زیر ابتدا به تفکیک جامعه نمونه پرداخته شده است و سپس ضرایب مربوط به آزمون همبستگی پیرسون و جدول‌های مربوط به رتبه‌بندی ارائه می‌گردد:

۱-۱- اطلاعات پایه

پرسشنامه‌ها به طور متناسب میان طلاب مرد حاضر در مسجد- مدرسه صالحیه توزیع شد. که از تعداد ۶۶ نفر به عنوان جامعه نمونه، ۴۴ نفر (۶۶/۶٪) زیر ۲۰ سال، و ۲۲ نفر (۳۳/۳٪) بین ۲۰ تا ۳۰ سال داشتند. همچنین از لحاظ سطح تحصیلات حوزوی در جامعه ۵۴ نفر (۸۱/۹٪) دارای تحصیلات حوزوی مقدمات، ۱۰ نفر (۱۵/۱٪) دارای تحصیلات حوزوی سطح یک و ۲ نفر (۳٪) از افراد جامعه نمونه دارای تحصیلات حوزوی در سطح دو بودند.

۲-۱- آزمون همبستگی پیرسون

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته حس تعلق به مکان و بینابینیت دارای همبستگی به مقدار ۰/۷۵ می‌باشند. هرچه ضریب همبستگی به سمت عدد یک میل کند نشان از همبستگی بالا بین متغیرها دارد و هرچه به سمت صفر میل نماید نشان از عدم همبستگی، و هر چه به سمت منفی یک میل نماید نشان از همبستگی معکوس دارد. میزان همبستگی بین دو متغیر ۰/۷۵ است که این مقدار نشان از همبستگی بالا بین متغیر حس تعلق و بینابینیت و برعکس دارد. همچنین میزان ضریب معناداری (Signification)، کمتر از ۰/۰۵

بوده و نشان از رابطه معناداری بین دو متغیر دارد. در نتیجه فرضیه: به نظر می‌رسد ارتباط معناداری بین حس تعلق به مکان و فضای بینابین وجود دارد، اثبات می‌گردد.

جدول ۲- ضرایب آزمون پیرسون (نگارندگان، ۱۳۹۸)
Table 2. Pearson correlation coefficients (Authors, 2019)

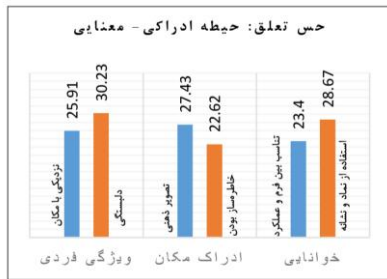
| correlations | | | |
|--------------|---------------------|---------|-----------|
| | | حس تعلق | بینابینیت |
| حس تعلق | Pearson Correlation | 1 | .756** |
| | Sig. (2-tailed) | | .000 |
| | N | 52 | 47 |
| بینابینیت | Pearson Correlation | .756** | 1 |
| | Sig. (2-tailed) | .000 | |
| | N | 47 | 55 |

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

۳-۱- رتبه‌بندی عوامل مربوط به هریک از شاخص‌های

دو متغیر

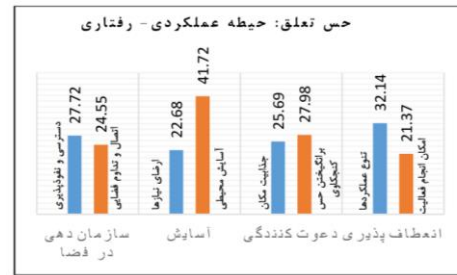
در نمودارهای زیر به رتبه‌بندی عوامل مربوط به هریک از شاخص‌های دو متغیر حس تعلق به مکان و فضای بینابین پرداخته شده است. در رابطه با شاخص‌های مربوط به حس تعلق به مکان در حیطه عملکردی (رفتاری) بیشترین امتیاز و در اولویت اول، مولفه‌های آسایش، سپس به ترتیب دعوت‌کنندگی، انعطاف‌پذیری و سازمان‌دهی فضا قرار گرفته‌اند. در حیطه ادراکی- معنایی نیز بیشترین امتیاز مربوط به مولفه ویژگی فردی، سپس خوانایی و در نهایت مربوط به ادراک مکان است. در حیطه کالبدی در اولویت اول تناسبات و غنای بصری و سپس کیفیت کالبدی قرار گرفته است. در رابطه با شاخص‌های بینابینیت نیز بیشترین امتیاز مربوط به ویژگی کارکردی- ارتباطی، سپس ویژگی شکلی و کالبدی و در نهایت ویژگی معنایی است که به ترتیب در درجه اهمیت و تاثیر بر حس تعلق به مکان قرار دارند.



نمودار ۵- رتبه‌بندی حیطه ادراکی- معنایی شاخص حس

تعلق به مکان (نگارندگان، ۱۳۹۸)

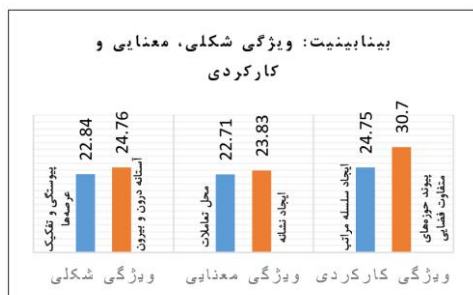
Diagram 5. Ranking the perceptual-semantic domain of sense of place (Authors, 2019)



نمودار ۴- رتبه‌بندی حیطه عملکردی- رفتاری شاخص حس

تعلق به مکان (نگارندگان، ۱۳۹۸)

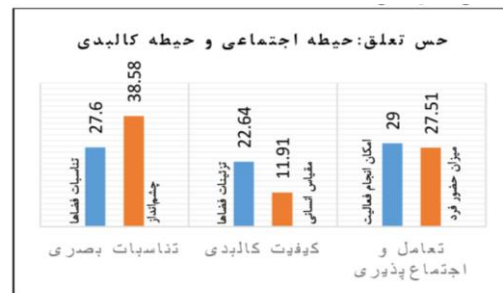
Diagram 4. Ranking the Functional-Behavioral Domain of the Sense of Place (Authors, 2019)



نمودار ۷- رتبه‌بندی ویژگی شکلی- معنایی و کارکردی

شاخص بینابینیت (نگارندگان، ۱۳۹۸)

Diagram 8. Ranking of Formal, Semantic & Functional Domain of In-Between space (Authors, 2019)



نمودار ۶- رتبه‌بندی حیطه اجتماعی و حیطه کالبدی

شاخص حس تعلق به مکان (نگارندگان، ۱۳۹۸)

Diagram 7. Ranking of Social Domain and Physical Domain of Sense of Place (Authors, 2019)

نتیجه‌گیری

قابل تعمیم می‌باشد که فضاها در مسجد- مدرسه‌ها با توجه به عملکردهای متنوع آن‌ها که عبارتند از: ورودی، هشتی، صحن، شبستان، گنبدخانه، مدرس، حجره، ایوان، نمازخانه، کتابخانه، وضوخانه، و همچنین در برخی از آن‌ها مهتابی، حمام، آب انبار و... به فراخور اقلیم، جدا از وجود گونه‌های متفاوتی در نحوه طراحی، ورود و استفاده از مسجد و مدرسه‌ها در دوره قاجار، این مکان‌ها به لحاظ متغیرهای مستقل واجدالشرایط یکسانی دارند و همگی حداقل سه فضای بینابین که جز جدایی ناپذیر آن‌ها به حساب می‌آیند، یعنی هشتی، صحن و ایوان را دارا هستند که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. همان‌طور که در روش بررسی نیز عنوان گردید چهار فضای بینابین انتخاب شد تا بتوان از نتیجه تاثیرگذاری فضای بینابین بر روی حس تعلق به مکان اطمینان بیشتری حاصل کرد. به همین

با توجه به نتایج بخش پیمایشی در راستای هدف اصلی پژوهش؛ بررسی تاثیر مفهوم بینابینیت در ارتقاء حس تعلق به مکان در مسجد- مدرسه‌های دوره قاجاریه، ویژگی‌ها و عملکردهای این بناها در بالا بردن حس تعلق به مکان و تقویت ارتباطات و تعامل اجتماعی در میان افراد قابل ارزیابی است. از ویژگی‌هایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت وجود فضاهایی واسط در قالب عناصر بینابینی است که به دلیل ویژگی پویا و انعطاف‌پذیری، جز جدا نشدنی در معماری گذشته ایران است. از سویی با توجه به پایایی پرسش‌نامه‌ها؛ نتایج حاصل از بررسی عناصر بینابینی هشتی، ایوان، مهتابی و صحن به عنوان فضایی بینابین برای افزایش حس تعلق به مکان در مسجد- مدرسه صالحیه شهر قزوین (نمونه آماری) قابل تعمیم می‌باشد. نتایج حاصل، از این نظر

- Historical Fabrics of Iranian Cities», Hoviatshahr, Spring-Summer 2011, Volume 5, Number 8; Page(s) 59 To 71. (In Persian)
2. 2-Javan Forouzande, Ali & Motalebi, Ghasem, «The Concept of Place Attachment and Its Elements», Hoviatshahr, Spring-Summer 2011, Volume 5, Number 8; Page(s) 27 To 35. (In Persian)
 3. Sarmast, Bahram & Motevaseli, Mohammad Mahdi, «Measure And Analyze The Role Of Place Scale On The Place Attachment (Case Study: Tehran)», Urban Management, Fall 2010-Winter 2011, volume 8, Number 26; Page(S) 133 To 146. (In Persian)
 4. Falahat, Mohammad Sadegh, «The Sense of Place and Its Factors», Honar-Ha-Ye-Ziba, summer 2006, Number 26; Page(s) 57 to 66. Persian
 5. Hashemnezhad, H & Heidari. A & Mohammad Hoseini, P, 2013. Sense of Place and Place Attachment. International Journal of Architecture and Urban Development, Vol 3: pp: 5-12.
 6. Heidari, Ali Akbar & Motalebi, Ghasem & Negintaji, Forough, «Analysis of the Physical Sense of Place in the Traditional Houses and Modern Residential Apartments», Honar-Ha-Ye-Ziba, fall 2014, Volum 19, Number 3; Page(s) 75 To 86. (In Persian)
 7. Kashanjou, Khashayar, «Recognizing Of Theoretical Trends In Relation To Urban Public Spaces», Hoviatshahr, Spring-Summer 2010, Volume 4, Number 6; Page(s) 95 To 106. (In Persian)
 8. Bozorgzade- MH, Sadeghian- F, Karimain- R, «Investigating the

جهت می‌توان اذعان نمود که نتایج حاصل از این پژوهش قابل تعمیم می‌باشد. همچنین در راستای فرضیه مطرح شده، بر طبق نتایج حاصل از بررسی رابطه بین حس تعلق به مکان و مفهوم بینابینیت با توجه به آزمون انجام شده در نرم‌افزار Spss20 به نام آزمون همبستگی پیرسون این نتیجه حاصل گشت که ضریب معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده و نشان از رابطه معناداری بین دو متغیر حس تعلق به مکان و مفهوم بینابینیت دارد. همچنین بر اساس رتبه‌بندی صورت گرفته بین شاخص‌های حس تعلق به مکان و متغیر بینابینیت حیطة عملکردی- رفتاری در حس تعلق به مکان و همچنین ویژگی کارکردی-ارتباطی در متغیر بینابینیت بیشترین تاثیر را بر روی افزایش این حس، به واسطه ایجاد سازمان‌دهی فضایی بین عرصه‌های مختلف و فراهم آوردن امکان تعامل و ارتباط بیشتر مخاطبان را دارد. در نتیجه فضاهای بینابین به دلیل ایجاد پیوستگی، اتصال و ارتباط میان فضاها، در مجموعه‌هایی همچون مسجد-مدرسه‌ها که دارای عملکردها و فعالیت‌های تلفیقی هستند منجر به درگیر کردن افراد با فعالیت‌های موجود در این بناها می‌شوند. وجود فضای بینابین در معماری سنتی ایران می‌تواند منجر به خلق فضای جدیدی در شهرهای امروزی گردد تا به سبب آن، موجب افزایش تعاملات اجتماعی به منظور خلق روحیه مشارکت شهروندی و ایجاد حس تعلق به مکان شود. در واقع باید عنوان نمود که فضای بینابین با ویژگی‌های کالبدی، ارتباطی و معنای خود می‌تواند پاسخگوی فضاهایی برای برقراری کنش‌های متقابل انسان‌ها با یکدیگر و ایجاد حیات مدنی باشد. ویژگی‌های فضای بینابین، تعاملات اجتماعی، ارتقاء کیفیت و تعامل در فضا را برای ایجاد حس تعلق به مکان در افراد تامین می‌نماید. در نتیجه از این طریق می‌توان افراد را به برقراری ارتباطات اجتماعی متمایل ساخت تا از این طریق بتوان حس تعلق به مکان را در افراد بیشتر کرد.

Reference

1. Bolilan Asl, Lida & Etesam, Iraj & Eslami, Gholamreza, « The Role of In-between Spaces to Identifying

- Summer 2002, Number 70-71: Page(s) 59. (In Persian)
15. Peyrov oliya, Marjan, «Designing an artistic cultural complex with an in-between space approach», Master Thesis, Qazvin Azad University, Department of Architecture And Urban Design, 2014. (In Persian)
 16. Soheili, Jamaludin & Peyrov oliya, Marjan, «[Comparative Comparison of Historical-based and Social-based Background of Urban Housing Spatial Pattern \(Case Study: Ardebil City\)](#)», Journal of Iranian Architecture & Urbanism, January 2018, Volume 8, Issue 13: Page(s) 33- 48.
 17. Dabirsiaghi, Mohammad, «Historical course of the building of Qazvin city and its buildings: from beginning to 1320». National Heritage Organization, Qazvin Cultural Heritage Office, Qazvin; 2013. (In Persian)
 18. Feli, Shima & Soltanzade, Hossein, «Experience of purporst of felexibility in Islamic era schools case study: schools of qazvin», Journal of studies on Iranian Islamic city, Fall 2016, Volume 7, Number 25; Page(s) 17 To 27. (In Persian)
 19. Molazade, Kazem & Mohammadi, Maryam, «Encyclopedia of Iranian monuments in Islamic period; schools and religious buildings (Takieh, Hosseinieh, Khaneghah, Qaddamgah, School, Mosala)», Tehran; Soreye Mehr Publication, 2001.
 20. <https://www.irna.ir/photo/3438889/بنای-تاریخی-مسجد-مدرسه-صالحیه-قزوین#gallery-20>
 21. <https://www.mehrnews.com/news/4257234/بزرگترین-مسجد-مدرسه-علمیه-در-7234/قزوین-میزبان-گردشگران-است>
 - evolution of David Cantor's views on architecture and environmental psychology», Biennial Conference of Society and Contemporary Architecture, 2016- Esfahan- Iran. (In Persian)
 9. Pilechiha, Pariya. «Designing Neighborhood Center and Neighborhood Units Using Sense Approach (Case Study: Sardar Qazvin Neighborhood)», Master Thesis, Qazvin Azad University, Department of Architecture And Urban Design, 2012. (In Persian)
 10. Shirazi, Mohammadreza. «Genius loci: towards a phenomenology of architecture». Norberg-Shulz, Christian. Tehran: Agah Publication; 2008.
 11. Deh Bozorgi- M, Olad Hosein- A, Daneshpour- A, «Providing a Theoretical Framework for Sense of Place in the View of Phenomenologists and Environmental Psychologists», International Conference on Modern Research in Civil Engineering, Architecture and Urban Development, 2015- Marvdasht- Iran. (In Persian)
 12. Ghiasi, Homayoun & Sarafi Ghar, Esmaeil, «Intertextual relationship of tissue with an emphasis on originality cities urban restotation and valuation tissue», Modiriat-e-Shahri, winter 2016, Number 45; Page(s) 147 to 170.
 13. Behzadfar, Mostafa. «Responsive environments: a manual for designers». Bentley, Ian. Tehran; Iran University of Science & Technology; 2002.
 14. Shahcheraghi, Azade, «A world without borders, a space without borders», Memari va ShahrSazi